شاهد الف) وجود بحث از قرائات در هر کتاب تفسیری

دیروز یک بخشی از کار را فراموش کردم که بگویم. مقصود اصلی را نگفتم. اگر یادتان باشد این مطلب را شروع کردم که ذهن بشر توحد گرا و افراد وجود قرائات است. دنبالهٔ آن میخواستم اصل مطلب را بگویم اما مباحث دیگری پیش آمد و فراموش کردم که بگویم.

عرض کردم خدای متعال میخواهد قرآن را با آن خصوصیاتی که –له نجوم، علی نجومه نجوم- دارد، برای بشر انزال کند. با این فطرت بشر چه کار کند؟ با فطرت توحد گرا و ضعیف او، میخواهد قرآنی را برای این ها انزال کند که «لاتفنی عجائبه»؛ دم و دستگاه و گستردگی آن، به کل گستردگی عالم تکوین و نفس الامر باشد. خب چه کار کند؟ او قادر است، بلد است، لایعجزه شیء. چه کار کرد؟ این منظور من بود که دیروز نگفتم. شارع در ابتدای امر کاری انجام داده و بعداً همه مراحلی طی شده، الآن هر کسی وارد فضای علوم قرآنی شود با یک فضایی مواجه میشود که قابل محو کردن نیست. فضا این است که شما هیچ تفسیری را باز نمیکنید، تفاسیر قدیمی و جدید، مگر اینکه یک دفعه با مسألهٔ قرائات برخورد میکنید. حتی سادهترین تفسیر را همه باز کنید به جاهایی میرسد که میگوید برخی به این صورت خواندهاند و برخی به آن صورت. یعنی مسألهٔ قرائات در عالم اسلام به عنوانی که خود شارع پشت آن را داشت. بهعنوان امری که مذموم و منفی است، اصلاً مطرح نبود. این خیلی مهم است. یعنی خود شارع این کار را مدیریت کرد.ای ضعیف های توحدگرا، من کاری میکنم که در بستر بلاد مختلف، افراد مختلف، در یک بستر وسیع همهٔ اینها را تثبیت میکنم. لذا الآن که در قرن پانزدهم هستید میتوانید به هزاران تفسیری که در مرئی و مسمع شما است، مراجعه کنید. وقتی مراجعه میکنید میبینید در مباحث قرائات یک نفر پیدا نمیشود که کسی را مذمت کند که چرا اسم دو قرائت را آوردهای. بلکه همهٔ آن را با آب و تاب بیان میکنند و جلو میآورند.

بازبینی #3
ایجاد شده 6 آوریل 2024 13:11:38 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 مه 2024 13:32:20 توسط ... .